



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مبارزات فرهنگی

امام باقر علیه السلام

ابوالفضل هادی منش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبارزات فرهنگی امام باقر (علیه السلام)

نویسنده:

ابوالفضل هادی منش

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مبارزات فرهنگی امام باقر (علیه السلام)
۶	مشخصات کتاب
۶	مناظرات گسترده علمی
۶	اشاره
۸	دفع شبهات دینی
۸	اشاره
۸	فرقه مرجئه
۸	فرقه‌های جبریه و قدریه
۹	فرقه خوارج
۱۰	فرقه غلات
۱۱	فرقه مغیره
۱۱	فرقه جارودیه
۱۲	مبارزه با اندیشه‌های خطر آفرین یهود
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مبارزات فرهنگی امام باقر (علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان: مبارزات فرهنگی امام باقر (علیه السلام)

پدیدآورندگان: ابوالفضل هادیمش (پدیدآور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: امام محمد باقر (ع)

خوارج

جبریه

غله

مرجئه

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ،ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: دو ماهنامه مبلغان، اسفند ۱۳۸۳ و فروردین ۱۳۸۴، شماره ۶۴

شناسه: [oai:tebyan.net/۶۲۶۵](http://oai.tebyan.net/۶۲۶۵)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

مناظرات گسترده علمی

اشاره

از آنجا که عصر امام باقر علیه السلام، روزگار برخورد اندیشه های اسلامی و غیر اسلامی بود، مناظرات زیادی بین دانشمندان ادیان مختلف با امام از سوی دربار سازمان دهی شد و آخرین حکمرانان بنی امیه این سیاست کهنه و شکست خورده را بار دیگر از سر گرفتند. هر چند که تاریخ همواره از شکست دربار در این گونه مناظرات حکایت می کرد، پافشاری بر پندارهای خام، سبب

آموزه‌پذیری آنها از تاریخ و عملکرد ناموفق نیاکان‌شان در این عرصه نشد. آنان همواره در کمین فرصتی بودند تا بتوانند چهره‌ی امام را مخدوش سازند. به عنوان نمونه، امام پیش از بازگشت از شهر دمشق و مسابقه‌ی تیراندازی‌ای که هشام ترتیب داده بود، هنگام بیرون آمدن از قصر هشام، با گروهی که در اطراف میدان مشرف به قصر تجمع کرده بودند، برخورد کرد. امام پرسید: اینان کیستند؟ پاسخ گفتند: اینها راهبان و کشیشان مسیحی هستند که در مجمع بزرگ سالانه‌ی خود گرد هم آمده‌اند و در این مکان، نشست علمی دارند و در مورد مسائل گوناگون علمی خود بحث و تبادل نظر می‌کنند. امام علیه‌السلام عبای خود را به سر گرفت و به گونه‌ی ناشناس در آن مجمع شرکت کرد. امام صادق علیه‌السلام نیز که همراه پدرش بود، در گوشه‌ای نشست. جاسوسان حکومتی که امام را زیر نظر داشتند، بی‌درنگ هشام را آگاه کردند. هشام که می‌پنداشت فرصتی مناسب یافته است، به چند نفر از افراد خود دستور داد تا از نزدیک شاهد ماجرا باشند و لحظه به لحظه آن را گزارش کنند. گروهی از مسلمانان که امام را می‌شناختند نیز در نشست حاضر شدند و کنار امام نشستند. در این هنگام، اسقف بزرگ مسیحیان وارد جمع شد و همگان به احترام او برخاستند. او بسیار سالخورده بود و لباسی از حریر زرد نیز بر تن داشت. آهسته به سمت جایگاه خود گام برداشت و نشست. نگاهی به حاضرین کرد، نگاهش بر چهره‌ی تابنده‌ی امام متوقف شد. پرسید: «آیا شما از مایید یا از امت مرحومه؟» امام پاسخ فرمود: از امت مرحومه. پرسید: «از دانشمندان‌شان هستی یا از نادانان؟» فرمود: «از نادانان نیستم.» گونه‌ای تشویش بر اسقف حاکم شد. پرسید: «نخست من از شما سؤال کنم. یا شما می‌پرسید؟» امام فرمود: «شما پرسید.» او گفت: «شما مسلمانان از کجا می‌گویید که بهشتیان می‌خورند و می‌آشامند، ولی نیاز به قضای حاجت ندارند؟ آیا دلیلی یا نمونه‌ای نظیر آن در این جهان سراغ دارید؟» امام فرمود: «آری نمونه آن، جنینی است که در رحم مادرش تغذیه می‌کند، ولی مدفوعی ندارد و نیاز به قضای حاجت پیدا نمی‌کند.» اضطراب اسقف بیشتر شد و گفت: «شگفت‌انگیز است! شما که گفتید از دانشمندان نیستید؟» امام فرمود: «خیر، من گفتم از نادانان نیستم.» اسقف دوباره پرسید: «شما از کجا ادعا می‌کنید که نعمت‌ها و میوه‌های بهشتی کم نمی‌شوند و هر چه از آنها مصرف شود، باز به حال خود باقی می‌ماند و کاهش نمی‌یابد؟ آیا نمونه‌ی روشنی از پدیده‌های این جهان می‌توانید ذکر کنید؟» امام فرمود: «آری، نمونه‌ی بارز آن در عالم محسوسات، آتش است. شما اگر از شعله‌ی شمعی صدها چراغ بیفروزید، از شعله‌ی آن کاسته نمی‌شود.» باز هم بر شگفتی اسقف افزوده شد و پرسشهای دیگری مطرح کرد و هر بار پاسخی قانع کننده می‌شنید. وقتی پرسش‌هایش به پایان رسید، با عصبانیت از جایش برخاست و به حاضرین گفت: «شما دانشمندی بلند مرتبه‌تر از مرا آوردید و نزد من [برای مناظره] نشاندید تا مرا رسوا سازید و مسلمانان بدانند که از ما مسیحیان برترند و دانش بیشتری دارند. به خدا سوگند دیگر کلمه‌ای از من نخواهید شنید و اگر تا سال دیگر زنده ماندم، مرا در بین خود نخواهید یافت. این را گفت و رفت. مجلس به هم خورد و همه پراکنده شدند. خبر به هشام رسید و از شنیدن آن بسیار بر آشفت. او که می‌پنداشت امام در مناظره با اسقف مسیحی سرافکننده بیرون می‌آید، با شنیدن خبر پیروزی امام، بسیار بیمناک و مضطرب شد؛ از این رو، به فکر فرو رفت تا چاره‌ای بیندیشد و به این نتیجه رسید که باید پیروزی امام را با اتهام گرایش به مسیحیت، خدشه‌دار کند. او با ظاهر سازی، هدیه‌ای برای امام فرستاد و از او خواست که دمشق را ترک نکند و در این فرصت به فرماندار خود در شهر «مدین» که در مسیر حرکت امام به سوی مدینه بود، نگاشت: «محمد بن علی علیهماالسلام و فرزندش در آنچه از اسلام اذعان می‌دارند دروغگو هستند. آن دو نزد من بودند، وقتی من آنان را به قصد مدینه بازگردانیدم نزد کشیشان مسیحی رفتند و آنچه در دل خود از کفر مخفی کرده بودند نمایانند و از اسلام به دین مسیحیان نزدیک شدند. من به خاطر خویشاوندی‌ای که با آنها داشتم نخواستم کیفرشان کنم ولی وقتی نامه‌ام به دست رسید، مردم را از آن آگاه کن و ندا در ده که آن دو مرتد هستند و امیرالمؤمنین همگان را از معاشرت با آنها باز داشته است و دستور قتل آن دو و دوستان و پیشکارانشان را صادر کرده است... ولی تلاش‌های مذبوحانه‌ی هشام در سرپوش گذاشتن بر واقعیت بی‌نتیجه ماند و مردم که نخست تحت فشارهای تبلیغاتی هشام قرار گرفته بودند، به واقعیت پی بردند و جایگاه امام بهتر برای آنها تبیین شد

و بر عکس، این حرکت هشام بیشتر سبب رسوایی او و حکام منطقه گردید.

دفع شبهات دینی

اشاره

امام باقر علیه‌السلام در مقام بزرگ پاسدار دین در مناظراتی با سران فرقه‌های مختلف، پوچی عقاید منحرفشان را آشکار می‌کرد و استوارانه از پایگاه‌های فکری و عقیدتی شیعه دفاع می‌کرد. در اینجا، برخی از این مناظرات و موضع‌گیریها از نظر خوانندگان می‌گذرد.

فرقه مرجئه

این فرقه در پایان نیمه اول قرن اول هجری پدید آمد. آنان بر این باور بودند که مرتکب گناهان کبیره، همیشه در دوزخ نمی‌ماند، بلکه کار او را به خدا وا می‌گذاشتند. به این دلیل آنان را مرجئه می‌خواندند که نیت را کافی می‌دانستند و بر این باور بودند که خدا نیز بر آن بسنده می‌کند و عذابشان نخواهد کرد. پس از آنکه در نبرد صفین، سپاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به داوری کتاب خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی خلافت امام علی علیه‌السلام یا معاویه مجبور کردند و علی علیه‌السلام به ناچار حکمیت «ابو موسی اشعری» و «عمرو بن العاص» را پذیرفت و این دو داور، به خلع علی علیه‌السلام از خلافت رأی دادند، خوارج، امام علی علیه‌السلام و معاویه را مرتکب گناهی بزرگ (حکمیت در دین خدا) دانستند و به دنبال این تهمت، این مسئله پیش آمد که مرتکب گناه کبیره را حال چیست؟ آیا در آتش جهنم مخلد خواهد بود؟ به دنبال این بحث، سخن از ایمان و حدود آن به میان آمد که ایمان چیست و مؤمن کیست؟ این نزاع بستر سرکشی و فساد را برای حکمرانان مهیا کرد تا هر چه می‌خواهند بکنند و سرانجام کار را به خدا وا گذارند؛ زیرا که معصیت و گناه هیچ آسیبی به ایمان نمی‌رساند. از این رو، حکمرانان خلفای بنی‌امیه تلاش زیادی در تقویت پایگاه‌های اعتقادی مرجئه کردند که از آنان «حجاج بن یوسف ثقفی» را می‌توان نام برد. این فرقه از چهار گروه تشکیل شده که عبارت‌اند از: «یونسیه»، «عبدیه»، «فسانیه» و «ثوبانیه» که هر یک اعتقادات خاص خود را دارند. این فرقه در دوره‌ی امامت امام باقر علیه‌السلام نیز به فعالیت خود ادامه داد. امام با اتخاذ موضعی تند و آشکار با آنان مخالفت کرد و هر جا سخنی از آنان به میان می‌آمد، آنان را لعن و نفرین می‌کرد و می‌کوشید با بهره‌گیری از این شیوه، محدوده‌ی اعتقادی درست شیعه را در زمینه‌های مختلف از این فرقه جدا کند؛ زیرا آنان با افزایش علم اعتقادات منحرف خود، سبب گمراهی پیروان اهل بیت علیهم‌السلام می‌شدند و این به دلیل معاشرت زیاد آنان با دیگر شیعیان بود. به عنوان نمونه، در گفتگوی «عبدالله بن عطاء» با امام، سخن این گروه پیش می‌آید و عبدالله اعتقاد آنان را در مورد وقت بر پا داشتن نماز ظهر بیان می‌دارد. امام با توضیح مسئله، نظر مرجئه را رد می‌کند و می‌فرماید: «پروردگارا، پیروان گروه مرجئه را از رحمت خود دور فرما که آنان دشمنان ما در دنیا و آخرت هستند».

فرقه‌های جبریه و قدریه

جبریه بر این باورند که انسان از خویش هیچ‌گونه اختیاری ندارد و مجبور است. در مقابل آن، فرقه‌ی قدریه برآنند که هر بنده‌ای به وجود آورنده‌ی فعل خود است و خدا، کار او را به خودش وانهاد و حتی در اسباب کار یا انگیزه‌ی آن هم مختار است و درست در مقابل جبریه قرار دارند. این دو مسلک نیز در زمان خلافت امویان و در دوران حکمرانی معاویه به وجود آمدند و نزاع

این دو، در تاریخ پیشینه‌ای دراز دارد و در دوران حکمرانی «معاویه بن یزید» و «یزید بن ولید» به اوج خود رسید. امامیه، مشربی خلاف این دو نظر را پذیرفتند که توسط امامان شیعه تبیین شد. امام باقر علیه‌السلام نیز، در این زمینه بسیار کوشید و با پیروان این دو نظر به شدت برخورد کرد. ایشان در رد نظریه قدریه و جبریه فرمودند: «پروردگار بر آفریدگان خود مهربان‌تر از آن است که آنان را به گناه وا دارد و سپس بر آن عذابشان نماید (رد دیدگاه جبریه) و او عزیزتر از آن است که اراده‌ی انجام کاری را بکند و آن محقق نگردد (رد دیدگاه قدریه). او در پاسخ به اینکه آیا مشرب سومی هم وجود دارد، می‌فرمود: آری، گسترده‌تر از فاصله‌ی میان آسمان و زمین [و آن مشرب امر بین الامرین است]». شخصی از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی جبر و اختیار سؤال کرد که کدامیک از آن دو، مورد تأیید امام است. امام در پاسخ فرمود: «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ وَلَکِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ؛ نه جبر و نه تفویض بلکه امری میان آن دو [مؤرد تأیید است]» فرد پرسش کننده دوباره پرسید: «امر بین امرین» چیست؟ امام برای روشن‌تر شدن مطلب، آن را در قالب مثالی برای او توضیح داد و فرمود: «مَثَلُ ذَلِكَ رَجُلٌ رَأَى رَجُلًا عَلَى مَعْصِيَةٍ فَهَيَّئَتْهُ فَلَمْ يَنْتَهَ فَعَزَّ كَتَهُ فَعَمَلٌ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ فَلَيْسَ حَيْثُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْكَ فَتَرَ كَتَهُ كُنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالْمَعْصِيَةِ؛ مثل آن به کسی می‌ماند که می‌بینی به گناهی مشغول است و او را نهی می‌کنی اما او دست از گناه بر نمی‌دارد. پس او را رها می‌کنی و او نیز آن گناه را مرتکب می‌شود. پس چون او [نهی را] از تو نپذیرفته و تو نیز او را رها کردی [نمی‌توان گفت که] تو او را به گناه وا داشته‌ای».

فرقه خوارج

این گروه نیز پس از داوری بین امام علی علیه‌السلام و معاویه در جنگ صفین پدید آمد. هنگام بازگشت امام علی علیه‌السلام از صفین به کوفه، عده‌ای از لشکریان بر او شوریدند و حکمیت را بر خلاف اسلام دانستند و شعار «لا حکم الا لله» سر دادند. آنان امام علی علیه‌السلام، معاویه، عثمان و حکمین را کافر شمردند؛ زیرا آنان، عملکرد امام علی و... را گناه کبیره دانستند و مرتکب گناهان کبیره را کافر می‌دانستند و ریختن خونشان را مباح بر می‌شمردند. آنها دشمنان آشتی‌ناپذیر بنی‌امیه، زمین‌داران بزرگ و مخالف وجود املاک خصوصی بودند و با اصل «مخلوق بودن قرآن» به شدت مخالف بودند. از بزرگان آنان می‌توان از: «اشعث بن قیس کندی»، «مسعر بن فدکی تمیمی» و «یزید بن حصین طائی» و از فرقه‌های منشعب از آن، می‌توان «محکمه»، «ازارقه»، «بیهسیه»، «عجارده»، «ثعالبه»، «اباضیه» و «صفریه» را نام برد. آنان در طول تاریخ، رفتاری نابخردانه با امامان شیعه داشتند. در زمان امامت امام مجتبی علیه‌السلام، امام را به خاطر صلح با معاویه بسیار سرزنش کردند. در دوران امامت امام باقر علیه‌السلام نیز مناظراتی بین آنها و امام در گرفت. امام در رد مبانی و باورهای اعتقادی‌شان، آنان را «خسران زده‌ترین آفریدگان خدا دانسته که دنیا و آخرت خود را تباه کرده‌اند» و به اصحاب خود می‌فرمود: «به این پیمان گریزان (خوارج) بگویید: چگونه بر جدایی از علی علیه‌السلام گردن نهادید، با وجود اینکه خونتان را پیش‌تر در راه فرمان‌برداری از او ارزانی داشتید و در خشنود کردن خدا بر هم پیشی می‌گرفتید؟ و اگر به شما گفتند که ما بر حکم الهی گردن نهاده بودیم و شعار «لا حکم الا لله» سر دادند، در پاسخ بگویید: مگر خدا حکمیت را در دین خود نپذیرفته است؟ و مگر آن را به داوری دو نفر [در این آیه] وانگذاشته که فرمود: «فَابْعَثُوا حَكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»؛ [هر گاه میان زن و شوهر اختلاف افتاد] یک نفر از جانب شوهر و یک نفر از جانب زن [به عنوان] داور بر انگیزید تا اگر اصلاح را خواستند، خدای بین آنان وفاق ایجاد کند». آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماجرای «بنی قریظه»، «سعد بن معاذ» را داور معرفی نکرد تا بر آنچه مورد پذیرش خداست، حکم کند. آیا نمی‌دانید که امیر المؤمنین علیه‌السلام با این شرط حکمیت را پذیرفت که آن دو حکم بر اساس کتاب خدا حکم کنند و از آن فراتر نروند؟ آیا نگفت که اگر حکم آنها بر خلاف کتاب خدا باشد نخواهد پذیرفت؟ وقتی داوری به پایان رسید، به علی علیه‌السلام گفتند: کسی را داور خود ساختی که بر ضد تو حکم داد. آیا امیر المؤمنین علیه‌السلام نفرمود: من به داوری کتاب خدا تن در دادم، نه داوری یک شخص؟

حال باید گفت، در کجای این حکمیت انحراف از حکم قرآن است؟ و این در حالی است که امام علی علیه‌السلام فرموده بود که حکمی را که خلاف قرآن باشد نخواهد پذیرفت. اتهام آنان به امیرالمؤمنین علیه‌السلام پوچ و بی‌اساس است. در مناظره‌ی دیگری نیز یکی از بزرگان خوارج که به برتری امیرالمؤمنین علیه‌السلام اقرار داشت، او را به کفر پس از ایمان در فرمان‌برداری از خدا و رسولش متهم کرد. امام باقر علیه‌السلام به او فرمود: «آیا آن روز که خدا علی علیه‌السلام را دوست داشت، نمی‌دانست که او روزی به دست یکی از اهل نهروان (خوارج) کشته می‌شود؟» مرد خارجی پذیرفت. امام پرسید: «آیا محبت خدا به علی علیه‌السلام از روی فرمان‌برداری او از دستوره‌ای خدا بود یا بخاطر گناه و سرکشی؟» مرد گفت: «پیدا است که از روی بندگی و اطاعت علی علیه‌السلام بوده.» امام فرمود: «[پس حال که علی علیه‌السلام از روی اطاعت و فرمان‌برداری مورد محبت خدا واقع شده و خدای او را دوست می‌داشته، واضح است که تمامی اعمالش مورد پسند خدا بوده است] اینک برخیز و برو!» مرد خارجی که در میدان بحث و مناظره با امام به سادگی شکست خورده بود، زیر لب گفت: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ خدای بهتر می‌داند که رسالت خود را کجا قرار دهد.»

فرقه غلات

غلات به معنای «گزافه گویان» است. ایشان فرقه‌ای از شیعه هستند که درباره‌ی امامان خود گزافه‌گویی کرده و آنان را تا سر حد خدایی رسانیده‌اند و یا قائل به حلول جوهر نورانی الهی در امامان خود شده‌اند یا به تناسخ قائل گردیده‌اند. آنان چند دسته شدند، برخی گفتند امام علی علیه‌السلام و بعضی از امامان شیعه، خدا هستند و برخی دیگر از آنان گفتند که ایشان پیغمبرند. جای شگفتی ندارد که ریشه‌ی عقاید آنان را در مذاهب حلولیه و تناسخیه مثل یهود و نصارا و یا از خرم دینی و مزدکی بدانیم؛ زیرا جزیره‌ی العرب و سرزمین بین النهرین و شامات پیش از ظهور اسلام، کانون قبیله‌های مختلف عرب و غیر عرب بوده و نیز برخوردگاه عقاید و ادیان گوناگون بوده است و نشانه‌های آشکاری از عقاید و دیدگاه‌های آنان در برخی فرق اسلامی دیده می‌شود. فرقه غلات مشتمل بر ده‌ها فرقه‌ی دیگر می‌شود که نام تمامی آنها در نوشته‌های ملل نویسان موجود است. امامان شیعه، اندیشه‌ی آنان را به شدت طرد کردند و آنان را «یهود و نصاری» امت پیامبر صلی الله علیه و آله نامیدند تا عمق انحراف و کج‌روی اندیشه‌ی آنان بر مسلمانان آشکار شود. امام باقر علیه‌السلام با اتخاذ موضعی صریح و شفاف به رویارویی با اندیشه‌های منحرف آنان پرداخت. روزی امام باقر علیه‌السلام در میان جمعی از شیعیان خود رو به آنها کرده و فرمود: «ای جماعت شیعه! میانه رو باشید تا تندروان (غلات) از تندروی خویش پشیمان شوند و به شما اقتدا کنند و جویندگان راه حقیقت به شما ملحق گردند.» در این لحظه مردی از میان جمعیت برخاست و پرسید: «تندروان کیانند؟» امام فرمود: «آنان کسانی هستند که به ما اوصاف و عناوینی را نسبت می‌دهند که ما خودمان آن را برای خویش قائل نشده‌ایم. آنان از ما نیستند و ما هم از ایشان نیستیم... به خدا سوگند ما از سوی خدا آزادی مطلق نداریم و بین ما و خدا خویشاوندی نیست و بر خداوند حجتی بر ترک تکلیف نخواهیم داشت. ما به پروردگار، جز به وسیله‌ی اطاعت و بندگی او تقرب نمی‌جوئیم. هر یک از شما مطیع خداوند باشد، ولایت و محبت ما برای او سودمند است و کسی که اهل معصیت باشد، ولایت ما سودی به حالش ندارد. پس بر حذر باشید از فریفتن خویش و فریب خوردن از غلو کنندگان.» از جمله سردمداران این گروه، فردی به نام «ابو منصور عجلی» بود که خود را پس از شهادت امام باقر علیه‌السلام جانشین ایشان معرفی کرد. او که در شهر کوفه خانه داشت و زادگاهش در بیابان‌های عراق بود، فردی بی‌سواد بود که حتی خواندن و نوشتن را نمی‌دانست. وی یاران خود را بر خفه کردن و قتل ناگهانی مخالفان خود دستور داده بود. او بر این باور بود که نبوت ختم نشده است و ائمه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، از امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا امام باقر علیه‌السلام، از پیامبران الهی هستند و پس از آنان پیامبری به وی رسیده و تا شش پست از فرزندان او همگی پیامبر خدایند و آخرین پیامبر، قائم آخر الزمان می‌باشد که ششمین فرزند اوست. در

ذیل آیه شریفه «وَأَنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ» می‌گفت: «علی علیه‌السلام همان ابری است که از آسمان فرو افتاده است.» و سپس آیه را در شأن خود دانست و گفت: «من همان پاره ابری هستم که خدا افتادن آن را از آسمان وعده داده است. پروردگار مرا به آسمانها فراخواند و دست بر سر من کشید و گفت: فرزندم بر زمین نازل شو و پیام های مرا به مردم برسان و سپس من به زمین هبوط کردم.» وی پس از چندی با برخورد شدید امام باقر علیه‌السلام روبرو شد و امام او را طرد کرد. وی از ادعای نبوت دست برداشت؛ اما داعیه‌ی امامت بلند کرد. از دیگر چهره‌های منحرف و پیشوایان فرقه‌ی غلات «بیان تبان» (گاه فروش) است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام را خدا می‌انگاشت و خود را مضمون آیه‌ی شریفه‌ی «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» می‌انگاشت و می‌گفت: «در روز قیامت همه چیز از بین می‌رود به جز چهره‌ی خدا که مردی از نور است و او نیز متلاشی شده ولی صورتش باقی می‌ماند؛ زیرا خداوند فرموده است: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ». و نیز تفاسیر دیگرگونه‌ی دیگری در مورد برخی دیگر از آیات قرآن داشت. او نامه‌ای توهین‌آمیز با این مضامین به امام باقر علیه‌السلام نوشت: «اسلام بیاور تا رستگار شوی و نجات یابی؛ چرا که تو نمی‌دانی خدا رسالت را در کجا و بر دوش چه کسی قرار داده است و من رسول خدا و وظیفه‌ای جز ابلاغ پیام خدا ندارم و کسی که انذار کند همانا معذور است.» امام باقر علیه‌السلام به شدت از او بیزارى جست و فرمود: «خداوند بیان تبان را لعنت کند، زیرا وی بر پدرم دروغ می‌بست و من شهادت می‌دهم که پدرم بنده نیکوکار و صالح خدا بود.» و در روایتی دیگر نیز آمده است که امام علیه‌السلام به درگاه خدای خویش عرض کرد: «پروردگارا! من از بیان تبان به درگاه تو تبری و بیزارى می‌جویم.»

فرقه مغیره

پروردگار بر آفریدگان خود مهربان‌تر از آن است که آنان را به گناه وا دارد و سپس بر آن عذابشان نماید (رد دیدگاه جبریه) و او عزیزتر از آن است که اراده‌ی انجام کاری را بکند و آن محقق نگردد (رد دیدگاه قدریه). آنان پیروان «مغیره بن سعید عجلی» و فرقه‌ای از غلات بودند که اعتقاد به رؤیت و تجسیم و نیز امامت او پس از امام باقر علیه‌السلام داشتند و می‌گفتند او منجی آخرالزمان است؛ نمی‌میرد و ظهور خواهد کرد. هنگامی که مغیره به قتل رسید، در بین یاران و پیروانش اختلاف افتاد و دسته‌ای از آنان در پندار انتظار ظهور او و رجعتش باقی ماندند و دسته‌ای دیگر قائل به انتظار ظهور امام باقر علیه‌السلام شدند. او فتاوی‌ عجبی در احکام دین از خود صادر کرد. مغیره در ابتدا قائل به امامت امام باقر علیه‌السلام بود ولی پس از مدتی، به غلو روی آورد و به خداوندی امام باقر علیه‌السلام معتقد شد. گاه نیز به یارانش در مورد امام می‌گفت: «منتظر ظهور او باشید که او باز خواهد گشت و جبرئیل و میکائیل با او بین رکن و مقام بیعت خواهند نمود.» امام باقر علیه‌السلام و دیگر امامان او را لعن و نفرین کردند. امام باقر علیه‌السلام در روایات بسیاری او را لعن کرده فرمود: «خدا و رسولش، مغیره بن سعید را از رحمت و دوستی خود دور گردانند که او دروغ‌های بسیاری بر ما اهل بیت بست.» امام در سخنی دیگر او را به «بلعم» تشبیه کرد که خداوند به او دانش عطا فرموده بود، ولی او از نشانه‌های خدا روی گرداند و از شیطان پیروی کرد و گمراه شد. امام صادق علیه‌السلام نیز در مورد او فرمود: «خدا مغیره بن سعید را لعنت کند! او بر پدرم دروغ بست و خدا نیز سختی عذابش را به او چشاند. خدا لعنت کند کسی را که چیزی در مورد ما بگوید که ما خود در مورد خویش نگفته‌ایم و خدا لعنت کند کسی را که نسبت بندگی خدا را از ما دور کند.»

فرقه جارودیه

«جارودیه» یکی از فرق «زیدیه» است که رهبری آن را «ابو الجارود زیاد بن منذر سرحوب» به عهده داشت. او از شاگردان امام باقر علیه‌السلام بود. نابینای مادر زاد بود و لقب سرحوب را امام باقر علیه‌السلام به او داد که نام شیطنی نابیناست و در دریاها زندگی

می‌کند. از این رو، نام دیگر این فرقه را «سرحویه» نیز گفته‌اند. آنان پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام امامت را در فرزندان او و امام حسن علیه‌السلام می‌دانند و هر که از فرزندان آن دو امام به پا خیزد و قیام کند، پیروی‌اش را در مقام امام، واجب می‌دانند. امام باقر علیه‌السلام در دوران زندگانی خود، هر گاه ابوالجارود را می‌دید او را ارشاد می‌کرد و شیعیان را از نزدیک شدن به او باز می‌داشت و می‌فرمود: «او شیطانی نایب‌ناست. او کور چشم و کور دل است». بین او و امام مناظره‌ای بر سر امامت فرزندان امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام در گرفت که تاریخ گویای آن است.

مبارزه با اندیشه‌های خطر آفرین یهود

فتنه انگیزی یهودیان، سرسخت‌ترین دشمنان اسلام، از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و سالیان متمادی به فتنه انگیزی خود به صورت پنهانی و آشکار ادامه دادند. آنان از حرب‌هایی مانند جعل احادیث استفاده می‌کردند و تلاش خود را بیشتر متوجه محافل علمی مسلمانان با حرکتی خزنده در فقه و کلام ادامه می‌دادند. مبارزه با اندیشه خطر آفرین یهود و شناساندن خط توطئه‌ای که برای خدشه‌دار کردن اسلام ترسیم کرده بودند، یکی از تلاش‌های دراز مدت و گسترده‌ی امام باقر علیه‌السلام را به خود اختصاص داد. یهودیانی که در محیط زندگانی مسلمانان می‌زیستند، آنان که اسلامی ظاهری آورده بودند و یا هنوز بر آیین یهود پا می‌فشرده‌اند، تلاش می‌کردند تا قبله‌ی خود، بیت‌المقدس را برتر از قبله‌ی مسلمانان جلوه دهند و در این باره کوشش بسیار می‌کردند. زراره می‌گوید: «نزد امام باقر علیه‌السلام که روبه‌روی کعبه نشسته بود، نشسته بودم. فرمود: می‌دانستی که نگریستن به خانه‌ی خدا عبادت است؟ در این لحظه مردی از قبیله «بُجَلِیَّة» به نام «عاصم بن عمر» وارد شد و به امام گفت: کعب الاحبار می‌گوید: کعبه هر صبح در برابر بیت‌المقدس سجد می‌آورد. امام فرمود: نظر تو در مورد سخن کعب الاحبار چیست؟ گفت: راست گفته است. امام فرمود: تو و کعب الاحبار هر دو دروغ می‌گویید. و امام خشمگین شد به گونه‌ای که راوی می‌گوید هرگز امام را به خاطر سخن کسی این قدر خشمگین ندیده بودم. امام فرمود: خداوند خانه‌ای به بلند مرتبگی این خانه [و به کعبه اشاره کرد] نیافریده و هیچ جایی را به سان آن گرمی نداشته است...».

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

